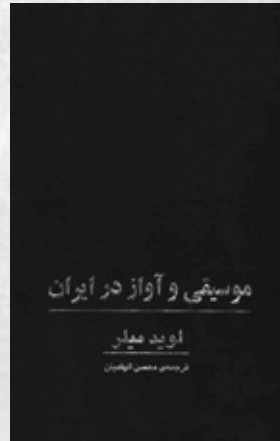


## موسیقی و آواز در ایران

لوید میلر

ترجمه‌ی محسن الهامیان

نشر ثالث



کتاب «موسیقی و آواز در ایران» حاصل اقامت هفت ساله‌ی نویسنده در ایران و هم‌چنین هفده سال تلاش مستمر نویسنده پس از بازگشت از ایران است. کتاب تأکید خود را بر شعر، قواعد، عروض و محتوای درک شدنی آواز، متن لحن‌ها و نیز پیشینه‌ی تاریخی و تئوری موسیقی‌ای گذشته است که این متن‌های آوازی را در خود دارند. نویسنده به نکاتی در مورد گرایش‌های اخیر در حفظ و نگهداری موسیقی ایران و مسائل مذهبی و اجتماعی آن اشاره می‌کند.

در بخش‌های مختلف کتاب روش‌شناسی، پیشینه‌ی تاریخی موسیقی ایران، موسیقی، اسلام، عرفان و شایستگی اجرا، ایران و مرکز حفظ اشاعه‌ی موسیقی ایران، تئوری موسیقی ایران، موسیقی آوازی ایران، پیشینه‌ی ساختار شعر ایران و عرب و ضمیمه‌های پنجگانه‌ی آن از جمله: روابط شاگردی و استادی، منابعی که مورد استفاده بوده، روش‌شناسی که به کار گرفته شده، نگاهی که نویسنده به موسیقی ایرانی دارد، و نتایج حاصله، مورد بحث قرار گرفته است.

نویسنده تاریخ موسیقی ایران را به شش دوره اسطوره‌ای، مادها و هخامنشی، سلوکی،

پارت‌ها و ساسانیان، دوران نخستین پس از اسلام، و دوران اخیر تقسیم کرده و معتقد است با کوچ آریایی‌ها از آسیای مرکزی و حرکت آنها به فارس امروزی، ارتباط با عیلامی‌ها، آشوری‌ها، و سایر تمدن‌های بین‌النهرین به نوعی به تبادل فرهنگی و موسیقی منجر شده است.

وی به نقش برجسته‌ی اجتماعی موسیقی و جایگاه شاخص آن در دوره‌ی هخامنشیان و ساسانیان تأکید دارد. اینکه گزاره‌های علمی که نویسنده مورد توجه قرار داده است تا چه حد می‌تواند قابل اعتماد باشد، جای سخن دارد. نمی‌توان با استناد به منابعی که از دوره‌ی هخامنشی که چندان هم متقن نیستند به جایگاه موسیقی در این دوره پرداخت به ویژه که نوع نگاه هرودوت مورخ را نیز در مورد ایرانیان می‌بایست در نظر داشت. به نظر می‌رسد نویسنده اگر امروز دست به نوشتن می‌زد شاید در جهت اثبات ادعای خود به منابع بیشتری دست می‌یافت. حتی در رابطه با تکمیل نظام مدال، لوید میلر منابع و مستندات تاریخی مشخص و روشنی به دست نمی‌دهد.

روش ارائه‌ی مطالب موسیقی و آواز در ایران شبیه به متن‌هایی چون موسیقی ایران، سنت و تحول نوشته‌ی ژان دورینگ، و موسیقی سنتی ویتنام نوشته‌ی تران وان که است با این تفاوت که نویسنده در این کتاب اطلاعات بیشتری درباره‌ی متن آوازاها (اشعار) و قواعد عروض و قافیه، محتوای شاعرانه، وزن اشعار و ارائه‌ی متن اشعار، معنی اسامی اجزاء ملودیک و مباحثاتی که در دهه‌ی ۱۹۷۰ در مورد حفظ سنت در گرفته بود، به خواننده ارائه می‌کند.

نویسنده در شیوه‌ی برخورد با موسیقی ایرانی، روشی را برگزیده که مبتنی بر اطلاعات و سنتی است که در آثار استادانی چون صفوت، کریمی و معروفی دیده می‌شود. به دیگر سخن وی روشی را انتخاب کرده که به شیوه‌ی برخورد ایرانی‌ها شباهت بیشتری دارد، علاوه بر کمک‌هایی که از منابع و شیوه‌های فرانسه گرفته شده است به نظر نمی‌رسد، میلر ایده‌ی معینی در پرداخت به موسیقی ایرانی داشته باشد. اگر معتقد باشیم او شیوه‌اش را براساس اطلاعات و ایده‌های استادان موسیقی ایرانی قرار داده، با مطالعه‌ی کتاب این انطباق مشاهده نمی‌شود، به خصوص هنگامی که وی به تعریف‌های گوشه یا تفسیر یا اجرا می‌پردازد. به نظر می‌رسد میلر توجه عمده‌ی خود را به موضوعات معنوی که در ارتباط با موسیقی است، متمرکز کرده و عنایت ویژه‌ای به نظام عروض اشعار و متن اشعار دارد که این امر می‌تواند تمایز کار او را نشان دهد.

شیوه‌ی مورد نظر نویسنده در کتاب از آن رو انتخاب شده است که وی خود در مرکز مطالعات موسیقی شرق تحصیل کرده و مطالعاتی در موسیقی شرق از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳ در پاریس داشته است. میلر اعتقاد دارد با وجودی که تأکید بر موسیقی و متن‌های (اشعار) آواز است، اما بحث می‌تواند به نقش موسیقی به عنوان شکلی از ارتباطات نیز کشانده شود. چنان چه در فصل دوم، صفوت در جایی که از پیغام‌های نشانه‌شناختی یک اجرا صحبت می‌کند، اشاره به این دارد که هر پیام از علائم زیادی شکل می‌گیرد که هر یک از این علائم به نوعی به دنبال دیگری قرار دارد و در توافق با قوانین یا کدهای خاصی است.

میلر معتقد است کتاب می‌توانست بررسی‌هایی از تاریخ‌نگاری در مورد موسیقی ایرانی باشد، هر چند اسپولر مدعی است که مطلب کمی در مورد ایران نوشته شده است و این وظیفه‌ی محققان ایرانی است که خلاف آن را ثابت کنند. کتاب به جای اینکه به تاریخ‌نگاری موسیقی در جزئیات آن بپردازد، تمرکز خود را روی موسیقی قرار داده، موسیقی‌ای که از دوران قاجار و براساس کار استادان ایرانی به عنوان منبع اصلی اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است. به عبارت دیگر اعتقاد این است که روش اصلی به کار گرفته شده در کتاب مبتنی بر کلمات، ایده‌ها و افکار استادان موسیقی ایران است.

از آنجا که میلر مدت‌ها شاگرد استاد محمود کریمی در آواز بوده و تا حدودی از دیدگاه‌ها و تفکرات دکتر صفوت متأثر شده، امری که به شکل‌گیری کتاب منجر شده است، می‌توان نوعی حمایت از محمود کریمی و دکتر صفوت را در کتاب دید. میلر در ابتدای کتاب منبع اصلی کار خود را درس‌ها و کتاب‌های ردیف آوازی محمود کریمی و آوانگاری دکتر محمدتقی مسعودیه و کتاب‌های دکتر صفوت بر شمرده است، در حالی که خواننده فقط در پایان کتاب متوجه می‌شود که آوانویسی توسط دکتر محمدتقی مسعودیه انجام گرفته است.

از آن جایی که در کتاب در مورد اینکه کتاب تنها به کارها و فعالیت‌های مرکز حفظ و اشاعه پرداخته است، سخنی به میان نیامده، بنابراین ضروری بود به دیگر استادانی که در این مقطع زمانی برای حفظ موسیقی سنتی تلاش کرده‌اند از جمله به نورعلی برومند، اشاره می‌شد. در باب ترجمه‌ی کتاب نیز نکاتی دیده می‌شود که به نظر می‌رسد بخشی از آن به اشتباه مؤلف و متن اصلی و بخشی نیز در عدم آشنایی کامل مترجم به حوزه‌ی موسیقی ایرانی باشد. البته مترجم بر این امر خود اشاره کرده و به نظر می‌رسد بخش‌هایی از کتاب از جمله تئوری موسیقی ایرانی یا بخش شعر و آوزان شعری و... با مشورت صاحب‌نظران بوده است.

با همه‌ی اینها نویسنده تلاش کرده با روش علمی و نگاهی انتقادی به موضوعات مختلف بپردازد و برای مقایسه‌ی روایت‌های مختلف، جداولی را تهیه کرده است که این امر در نوشتن کتابی درباره‌ی موسیقی سنتی امری مطلوب است.